

دبگیری، سه گل پی درپی و با هر گل فریادها و فحش‌ها و اعتراض‌ها بیشتر هم می‌شود. اولین فحش به شفر را همان پسر چاق غیر طبیعی می‌دهد که این‌ حجم از عصبانیتش اصلا طبیعی نیست. سیگار پری هم دستش است و بعد از هر چند ثانیه فحاشی، یک عمیقی به آن می‌زند. بعد از هر پک داغ‌تر می‌شود و بعد از هر فحش خالی‌تر و دوباره کام می‌گیرد و فحش می‌دهد. جای دود بیرون دادن فحش بیرون می‌دهد، بقیه از او بدتر. جوانک ورزشکارمانند دیگری را می‌بینم که در فحش دادن با او رقابت دارد. فحش‌ها وضوح تصویری و جزئیات دقیقی دارند. اپیدمیک هم هستند چراکه در ثانیه‌ای از سکویی به سکویی منتقل می‌شوند. خیلی زود خودت را غافلگیر شده می‌بینی که داری فحش‌های سبکی می‌دهی که کم‌وزن بودنش دیگران را عصبانی می‌کند و خودش، خودت را. هم‌رنگ جماعت شدن اینجا آسان‌ترین کار است. می‌کشی کنار.

تصویر چهارم

پشت همین صندلی‌ها بوفه است. می‌روی جلو به طمع چیزی داغ که گلویت را صاف کند و کمی فحش‌ها را از دم زبانت پس بزند. بوفه‌چی -واژه بهتری برای توصیفش نیست- می‌گوید کافی میکس بخور. سوال احقرانه‌ای می‌کنی در مورد کاپوچینو که به گرد شدن چشم‌های طرف منجر می‌شود! تاکید می‌کند که آن را هم دارد و بعد یک هات چاکلت می‌دهد دستت. آب جوش می‌ریزد و با یک نی کوچک هم می‌زنی و می‌خوری. مشخص است که جمشش را کم کرده‌اند تا لیوان‌های بیشتری بفروشند. مزه نمی‌دهد. حالت بیشتر گرفته می‌شود. می‌روی سمت سطل آشغال که بریزی اش دور اما سطلی نیست. آشغال‌ها کف زمین موج می‌زنند. اینجا هیچ چیزی زیبا نیست

مخصوصا فوتبال!

به سرویس بهداشتی می‌رسی می‌زنی برای اینکه ببینی وضع به آن بدی که می‌گویند هست یا نیست؟ نیست. قابل تحمل‌تر از جاهای دیگر است. بیرون می‌زنی. بازی در آستانه تمام شدن است. می‌زنی بیرون. همراه با هزاران تماشاگر عصبانی دیگر. مسیر برگشت خود شکنجه دیگری است. اتوبوس‌ها و مینی‌بوس‌هایی که به تعداد تماشاگران نیستند و چند برابر ظرفیتی که دارند هم مسافر می‌زنند. اگر سوار شوی، اگر جا برای نشستن یا ایستادن گیرت بیاید، اگر راننده حاضر شود راه بیفتند طمع برش ندارد که روی سقف آدم سوار کند باز هم باید نیم‌ساعتی در ترافیک ورودی-خروجی تنگ و کوچکی بمانی که اتوبوس‌ها و ماشین‌های حاضر در پارکینگ را اسیر خودش کرده؛ ترافیک خروجی‌های اتوان هیچ.

ساعت ۱۲ شب به میدان آزادی می‌رسی. خسته، تحقیر شده، فحش خورده و بازی را باخته. زیبایی فوتبال از تو دریغ شده و جایش را رشتی، کثیفی و آلودگی صوتی و تصویری و مخدری پر کرده. شب باید حتما زیر دوش آب داغ خود را کیسه بکشی تا آن بو از بند بند سلول‌های بدنت دور شود.

این تصویرهایی است از ورزشگاه آزادی در شب بازی استقلال و السد. در شب هر مسابقه دیگری در ورزشگاه. بساط چای و تخمه و فحش‌های کافدار و بوهای مشمژکننده برپاست.



چهار تصویر از ورزشگاه آزادی

به ضیافت چای و فحش و سیگار!

شده یا نه ولی راهش را می‌کشد و می‌رود. نگاهی به سکوها ملتفت می‌کنی. آدم‌های گرم در دود غلیظ سیگار و عصبانی از نتیجه‌که تندترین فحش‌ها را به بازیکن‌های محبوب خودشان می‌دهند، به پلیس تنهایی که در هیجانی‌ترین لحظه ممکن بخواد به سیگار کشیدن‌شان گیر بدهد چه خواهند گفت؟

تصویر سوم

دو سوم از بازی رفته و یک‌سوم مانده است. رفتارها ایدا طبیعی نیست. جوانکی بیست و دوسه ساله با دست‌کم ۱۴۰ کیلو وزن چشم‌هایش را بسته و دهانش را باز کرده. از بالا تا پایین باشگاه و بازیکن‌ها را یکی یکی فهرست کرده و با ذکر جزئیات به بیان اموری می‌پردازد که قصد دارد انجام دهد. شرح جزئیات آنقدر دقیق گفته می‌شوند که باید جلوی خودت را بگیری تا این صحنه‌ها را پیش چشم مجسم نکنی. ... و این تنها فحاش جمع نیست. از هر دو سه نفر یکی مشغول عربده‌کشی و دادن فحش‌های کافدار غلیظ است. چند بچه کوچک با تحیر به این آدم بزرگ‌های عصبانی نگاه می‌کنند که از دهان‌شان کلماتی ناآشنا بیرون می‌آید. می‌توانی شکستن معصومیت کودکانه را توی چهره‌های‌شان به تماشا بنشیننی. استقلال مشغول خوردن گل‌های بعدی است. یکی پس از

از هر دو سه نفر یکی مشغول عربده‌کشی و دادن فحش‌های کافدار غلیظ است. چند بچه کوچک با تحیر به این آدم بزرگ‌های عصبانی نگاه می‌کنند که از دهان‌شان کلماتی ناآشنا بیرون می‌آید. می‌توانی شکستن معصومیت کودکانه را توی چهره‌های‌شان به تماشا بنشیننی

دود خفه‌کننده سیگار، این بوی تلخ را بشنوی اما لحظه‌اش می‌رسد. ناآشناست. حس تجربه نشده و ممنوعه‌ای پیشش دارد که بلافاصله ماده‌های مخدر صنعتی و سنتی را در ذهنت لیست می‌کند. یعنی «گل» که می‌گویند همین است؟ پشت تو یک افسر پلیس ایستاده. با صورتی خسته اما چشم‌هایی هشیار. جا می‌خوری. استعمال ممنوع دخانیات به کنار با استعمال ممنوعه چه می‌کنی؟ نمی‌دانی متوجهش

سطل‌های تزیینی پارک‌ها! مسیر هیچ چیزی ندارد غیر از جاده‌ای که باید زیر نور آفتاب شدید طی کنی. ریخته شدن آشغال طبیعی‌ترین کار ممکن است!

تصویر دوم

طبقه اول جایگاه ۲۲. کارت خبرنگاری سرباز شهرستانی دم در از نرم می‌کند که روانه طبقه دومت نکند. می‌روی داخل. از جایگاه سیمانی مسقفی رد می‌شوی که چند «آش‌خور» خسته، نشسته‌اند گوشه‌اش و چمباتمه‌زنان چرت می‌زنند. خستگی را روی صورت‌های آفتاب خورده شهرستانی‌شان می‌توانی ببینی. اینجا اگر مجبور نبودند، شاید حالا هم همین‌جا بودند اما یله و رها. روی سکوها گرم طبل زدن و تشویق تیمی. درست مثل همه آن از شهرستان آمده‌هایی که آخر شب با خستگی به خانه برمی‌گشتند.

می‌روی جلو. به ۱۰ متری سکوها نزدیک می‌شوی. برخلاف تصور اولین حسی که با نزدیک شدن به سکوها تحریک می‌شود حس شنوایی نیست. حس بویایی بسیار زودتر تحریک می‌شود. سکوها محو دودند. از هر پنج نفر دو یا سه نفر گرم سیگارند. سیگار و صد البته یک چیز دیگر. بوی گرم و تلخی دارد. سنگین هم هست؛ بسیار سنگین. کمی طول می‌کشد تا لابه‌لای بوی عرق تن مرده‌های هیجان زده و عصبانی و بوی

گفت‌وگو

در مورد رضاییان از «علی‌آقا» سوال کنید

دایی: ترابی با تمام وجودش برای سایپا بازی می‌کند

مهدی ترابی از روزهای خوش فاصله دارد، فکر می‌کنید دلیل این مساله چه چیزی باشد؟

ترابی تمام تلاشش را در زمین انجام می‌دهد و بازی‌های خوبی هم برای سایپا انجام می‌دهد. بالاخره هر فوتبالیستی روز خوب و بد دارد و ممکن است از شرایط آرمانی دور باشد. مطمئن هستم ترابی می‌تواند به روزهای خوش برگردد.

برخی اعتقاد دارند شاید ترابی به‌خاطر قرارداد با پرسپولیس با انگیزه کافی برای سایپا بازی نمی‌کند!

اصلا و ایدا این‌طور نیست. ترابی با تمام وجودش برای سایپا بازی می‌کند.

اخباری هم به صورت رسمی از سایپا جدا شد. حیف نبود؟

اخباری سال گذشته بازیکن ما بود و بازی‌های خوبی هم انجام داد اما کمی افت داشت و بعضی از بازی‌ها را بازی نکرد. علی دایی هم هر بازیکنی که آماده باشد را بازی می‌دهد. این‌طور نیست که جایگاه هر بازیکنی در ترکیب سایپا ثابت باشد.

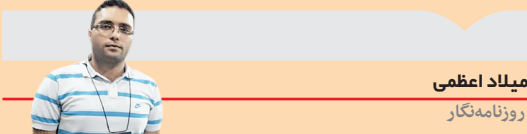
زهیوی چرا از سایپا جدا شد؟

زهیوی هم مثل اخباری بود. خودش خواست برود و می‌خواست جایی باشد که بیشتر بازی کند. همان‌طور که گفتم حضور هیچ بازیکنی در ترکیب فیکس تیم‌ها تضمین شده نیست.

چطور می‌خواهید جای اخباری و زهیوی را پر کنید؟ همان‌طور که گفتم با کمبود بازیکن روبه‌رو هستیم و با این وضع در لیگ قهرمانان به مشکل می‌خوریم. امیدوارم هرچه سریع‌تر این نقص هم برطرف شود.

راستی شنیده شد که علی دایی و باشگاه سایپا رامین رضاییان را می‌خواهند!

در این مورد «علی‌آقا» تصمیم می‌گیرد و باید از خودش سوال کنید. من در جریان این موضوع نیستم.



میلاد اعظمی

روزنامه‌نگار

بعد از گذشت ۶ هفته از فصل جدید لیگ برتر سایپا که فصل گذشته نیز جزء بالانشینان لیگ بود و سهمیه حضور در لیگ قهرمانان آسیا را کسب کرد، با ۱۰ امتیاز در رده سوم جدول رده‌بندی حضور دارد. روزهای خوب سایپا، جدایی چند بازیکن از این تیم، ماجرای مهدی ترابی، شایعه حضور رامین رضاییان، حضور در لیگ قهرمانان و... بهانه‌های خوبی بود تا با مربی سایپا هم‌کلام شویم. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با محمد دایی را در ادامه می‌خوانید:

ابتدا در مورد پیروزی مقابل فولاد در اهواز صحبت کنید.

واقعا بازی سختی را تجربه کردیم. به سه امتیاز این بازی احتیاج داشتیم. البته گرمای هوا هم خیلی ما را آذیت کرد اما بازیکنان ما با شور و منطق بازی کردند و سه امتیاز را گرفتند.

اکبر منادی دروازه‌بان جوان‌تان هم حسابی گل کرده.

منادی از تیم‌های پایه سایپا به ما ملحق شد و یک‌سال و نیم است که زیر نظر غلامپور تمرین می‌کند. روزبه‌روز بهتر می‌شود و امیدوارم بتواند پاسخ اعتماد کادر فنی را هم بدهد.

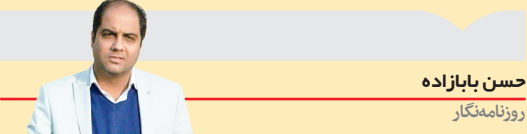
فکر می‌کنید تا پایان فصل بتوانید جزء تیم‌های بالانشین جدول باشید؟

صددرصد تلاش‌مان را انجام می‌دهیم تا این اتفاق رخ بدهد. ما تیم جوانی هستیم که سال‌قبل هم خیلی خوب نتیجه گرفتیم. فقط باید در چند پست تقویت شویم. این تیم برای لیگ قهرمانان آسیا بسته نشده و باید در چند پست بازیکن بگیریم.

گفت‌وگو

باشگاه باید با شفر برخورد کند

نوازی: استقلال شانس آورد از السد بیشتر گل نخورد



حسن بابازاده

روزنامه‌نگار

محمد نوازی، پیشکسوت استقلال از نتیجه به دست آمده در دیدار مقابل السد ناراحت و معتقد است این تیم در بازی برگشت هم شرایط سخت‌تری در پیش رو دارد. اواز برخوردی که سرمربی آلمانی استقلال با حاجیلو، سرپرست تیم در جریان بازی با السد انجام داد نیز گلایه‌مند است. گفت‌وگوی «فرهیختگان» با کاپیتان و مربی سابق استقلال را در ادامه می‌خوانید.

درخصوص شرایط استقلال صحبت کنید. اوضاع ظاهرا زیاد جالب نیست.

بله، فکر می‌کنم شرایط استقلال تعریفی ندارد. بعد از باخت این تیم مقابل السد بازیکنان در شرایط روحی خوبی به‌سر نمی‌برند و به‌نظر من شفر هم نمی‌تواند تا بازی برگشت کار خاصی انجام دهد. استقلال نیاز به بازنگری بیشتری در تیمش دارد.

فکر می‌کنید چه عواملی باعث شد استقلال از السد شکست بخورد؟

ترکیب استقلال در این بازی اشتباه بود و این نشان داد که شفر هنوز به‌درک خوبی از آمادگی بازیکنانش نرسیده است. تعویض‌های شفر نیز همگی اشتباه بود و نشان می‌داد این مربی آلمانی چقدر قدرت بازی‌خوانی ضعیفی دارد. دفاع‌های باز استقلال باعث شد مهاجمان حریف در زمین هر کاری که دل‌شان می‌خواهد، انجام دهند. استقلال شانس آورد که السد بعد از گل سوم تمایل زیادی برای زدن گل‌های بعدی نشان نداد وگرنه شاید باخت سنگین‌تری را پذیرا می‌شد.

شفر بعد از بازی مدعی شده استقلال متفاوتی را در بازی برگشت شاهد خواهیم بود.



استقلال اگر می‌خواست متفاوت باشد در همان بازی رفت که میزبان بود و این همه تماشاگر در آزادی حضور داشت، انجام می‌داد نه اینکه در بازی برگشت در زمین حریف با این نتیجه بخواد به فکر صعود باشد. البته ما خوشحال می‌شویم که این اتفاق بیفتد ولی باید قبول کنیم همه این حرف‌ها برای این زده می‌شود که هواداران بیشتر از این ناراحت‌تر نشوند.

عملکرد خارجی‌های استقلال را در این مدت چطور دیدید؟

عملکرد آنها زیاد راضی‌کننده نبوده. شما تیم و جباروف را د ست داده‌اید و جایش این بازیکنان را جذب کرده‌اید. معلوم است که از نظر تیمی ضعیف‌تر می‌شوید. باشگاه استقلال باید هر طوری که امکان داشت این دو بازیکن را حفظ می‌کرد البته ما در میانه میدان هم جای خالی امید ابراهیمی را احساس می‌کنیم. به‌هر حال باید منتظر روزهای آینده باشیم تا ببینیم وعده‌های شفر چه زمانی عملی می‌شود.

شفر در جریان بازی مقابل السد در کنار زمین با اصغر حاجیلو، سرپرست تیم به جر و بحث پرداخت. در این مورد چه نظری دارید؟

حاجیلو سال‌ها برای استقلال زحمت کشیده و یکی از بهترین پیشکسوتان تاریخ باشگاه است و به‌نظر من باشگاه مقصر است که شفر چنین حرکتی را در کنار زمین انجام می‌دهد. اگر با شفر برخورد شود دیگر این اتفاقات نمی‌افتد.

پیش از بازی در مصاحبه‌ای به انتقاد از کمیت پیشکسوت‌ها پرداخته بودید.

من از این کمیت دلگیرم زیرا هیچ احترامی برای پیشکسوتان قائل نمی‌شوند. یکسری پیشکسوت حضور دارند که همیشه و در بدترین مواقع هم استقلال تعریف می‌کنند. یعنی در واقع نمی‌خواهند ضعف‌های استقلال را هم بازگو کنند. من همیشه خودم بلیت تهیه می‌کنم و برای تماشای بازی استقلال به ورزشگاه می‌روم. تا حالا یکبار هم نشده که بخوام برای تیمی که سال‌ها در آن زحمت کشیده‌ام درخواست بلیت کنم. از استقلال طلب دارم مبلغ آن هم زیاد نیست اما نمی‌دانم چرا آن را نمی‌دهند. سال‌هاست که این پول ما همین‌طور باقی مانده و نمی‌دانیم باید چه کار کنیم.